

ما یک نوزاد شد کسی برادر کسی در هیچ چیز دهم آن روز در دست داشت
بروز فیامت مادر و پورا دلور را نوزاد بر سید داد و دلور روی مادر و پورا نوزاد
دوستا در آن آتش کردن بیگانه خوانند شد پیران از پیش میدان
روزه میوه از تانغان نیز روز نهند گشت و تانغان به بطنان در کار نوزاد
اما حال شفاعت را باید فهمید که در زمان چنانکه بدینا کثر حال شفاعت
می بینند بآفت نیز همین قسم گمان می برند مثل بادش و بورش
در آن روز و نوزاد در پیش میزند و نیز باید دیگری از در گمان در پیش
شفاعت کرد بادش و آینه نماید که اگر شفاعت نشان قبول کنیم خلیه
سلطنت ما هم میرسد لاچار ملک از روزه خود و لا سب شفاعت ایمان
باز کرد آید دیا زن با پوست و رو با شفاعت آورد از باعث محبت
آن محبوب ملک جبر بر نخواستار نماید و در راه اخلص می فراید پس
اندیشید که درین مقام روزش در دم می آید و جبر بر می آید
بروز آفت بخفورت آن مختار محض این معامله بگوته واقع خواهد شد بگوید

لا اله الا الله

لا اله الا الله بارگردد آید نه کسی خوش او تعالی را برودمان معنی
شفاعت همین می فهمند که شفاعتی نقد انقبا می کند و سب مانع دیگر مثل
خود را یعنی نوزاد کرد و پیش مولی تعالی یعنی بر سر نیت شان از
این نقصان صریح و همین مضمون را در قرآن مجید در می فراید **و انقبا**
یوم لا تجزی نفس عن نفس شیئا ولا یقبل منهن شفاة ولا یؤخذ بها
عذرا الا من تصدق به و بر سید از آن روزی که خبر نوزاد خواهد شد از
کسی شخص از شفعی در هیچ چیز قبول نکرده خواهد شد از کسی شخص شفاعت
دیگر نوزاد شد از شخص بدله ذمه ایشان برآورده خواهد شد و شفعی دیگر نگوید
که این نیت و امان دیگران در حق کار از آن است با وجودیکه لفظ نکره
است که دلالت بر عموم میکند بر اینی ذمه شهادت آن فعل تعالی خطاب
بمؤمنان می فراید **یا ایها الذین آمنوا انفقوا مما رزقناکم من قبل**
ان ینزلکم به یوم لا ینفع فیهِ ولا حلة ولا شفاعة ولا کافور
ممن الظالمون ای مؤمنان نفقه کنید از آنچه که رزق داده ام شمارا

Copyrighted by King Saud University